

فریده ذاکری

منتقد سینما:

باز پرس زن، نقطه تازه‌ای در سریال حقوقی - اجتماعی

**آیا سریال «محکوم» توانسته هیجان مخاطب را جلب کند؟ به نظر شما چه عواملی باعث شده این هیجان و حس قضاوت و پیش‌بینی برای بیننده ایجاد شود؟**  
 به‌طور کلی، مردم ما به دنبال هیجان هستند و این هیجان در سریال «محکوم» تا حد خوبی منتقل می‌شود، زیرا بیننده تمایل دارد قضاوت کند، پیش‌بینی داشته باشد و خودش را در موقعیت قاضی قرار دهد. جذب اولیه مخاطب نیز موفق بوده است.

**در مورد بازیگران سریال، به ویژه کوروش تهامی، مهران غفوریان و پژمان جمشیدی، نظر شما چیست؟ آیا بازی‌ها توانسته‌اند نقش‌ها را باورپذیر و ماندگار کنند؟**  
 بازی‌ها تا حد زیادی مصنوعی و غیرطبیعی به نظر می‌رسند و پرداخت شخصیت‌ها نیز نادرست است. شباهت‌های زیادی از نظر داستانی با آثار زخم کاری و زیر تیغ دارد. حتی بازی آقای تهامی، که نقش او قربانی عشق و یک تراژدی ناگهانی بود و میان عشق و اخلاقیات دچار سردرگمی شده بود، در سطح ایده‌آل قرار ندارد و نمی‌توان گفت که نقش او به‌گونه‌ای ماندگار ارائه شده است.

**معرفی بازپرس زن و نشان دادن زندگی شخصی و کاری او یکی از جنبه‌های جدید سریال بوده است. به نظر شما این تصویر تا چه حد موفق بوده و چه تأثیری بر ارتباط مخاطب با داستان داشته است؟**

موضوع حقوقی با معرفی یک بازپرس زن که زندگی شخصی و مسئولیت‌های کاری او را نشان می‌دهد، نمای تازه‌ای از دستگاه قضا ارائه می‌کند. این تصویر به مخاطب نشان می‌دهد که قضا، وکلا و کارکنان دادسرا نیز بخشی از جامعه هستند و دغدغه‌ها و مسائل خود را در زندگی شخصی دارند. با نشان دادن فرزندان سرکش، هنجارشکن و علاقه‌مند به موسیقی رپ و پوشش‌های نامناسب، سریال به نوعی تابوشکنی می‌پردازد و باعث می‌شود مخاطب احساس نزدیکی بیشتری با داستان داشته باشد.

**موسیقی، حرکات بازیگران و جزئیات تراژدی داستان چقدر در ایجاد اثرگذاری و باورپذیری سریال نقش داشته‌اند؟**  
 در کل، می‌توان گفت ایده سریال جذاب بود، اما بازی‌ها مصنوعی و اغراق‌آمیز بودند. حتی موسیقی رپ، که می‌توانست به عنوان موسیقی اعتراضی استفاده شود، در سریال دیده نشد. حرکات بازیگران تکراری و فاقد هویت مستقل بودند. داستان تراژدی‌ای را روایت می‌کند که در آستانه خوشبختی، ازدواج عاشقانه‌ای با قتل ناگهانی به تقابل دو خانواده تبدیل می‌شود و خوشی را به تلخ کامی بدل می‌کند، که یادآور سریال «زیر تیغ» است و فروپاشی ارزش‌ها را نشان می‌دهد. کوروش تهامی بازی خوبی ارائه نکرده است، مهران غفوریان به عنوان وکیل ضعیف ظاهر شده و پژمان جمشیدی نیز نقش تکراری خود را بازی کرده است. شخصیت‌ها به مخاطب نزدیک نیستند، نوسانات زیادی دارند و ضعف‌های اساسی در فیلمنامه و کارگردانی دیده می‌شود؛ چرا که چارچوب داستان به درستی رعایت نشده است.

نیست و نگاه سطحی به آن‌ها صورت گرفته و عمدتاً از کنار ژانرهای مختلف عبور شده است. گرچه این سطحی‌نگری به ژانرها کاستی بزرگ «محکوم» است، اما به پرداخت و انتقال مفاهیم و مضامین سریال به مخاطبان لطمه جدی نزده است.

**به نظر شما «محکوم» در مقام یک سریال پلتفرمی، چه تفاوت‌هایی با تولیدات مشابه در تلویزیون دارد؟**

این سریال از نظر ساختار و محتوا تفاوت عمده‌ای با دیگر تولیدات رایج شبکه خانگی ندارد، اما به دلیل نوع پرداخت، دیالوگ‌ها، برخوردها و ماجراها که معمولاً جای آن‌ها در سریال‌های تلویزیونی به علت کمبود بودجه است، تفاوت ایجاد می‌کند و فضای به نسبت بازر شبکه خانگی در مقایسه با تلویزیون، این امکان را در اختیار «محکوم» و شبکه خانگی قرار داده تا کمی راحت‌تر حرف‌های خود را بازگو کنند. افزون بر این، کیفیت و ساختار هنری «محکوم» از بسیاری از سریال‌های تلویزیونی بالاتر است.

**ساختار اپیزودیک و پرونده محور «محکوم» تا چه اندازه توانسته مخاطب را در فضای نمایش خانگی با خود همراه کند؟**

کشش‌ها و کشمکش‌های دراماتیک فیلمنامه گرچه پررنگ نیستند، اما در کنار تصویرسازی مناسب، مضمون سریال و فضاهای متنوع «محکوم»، در جلب توجه مخاطب به توفیق رسیده‌اند و ساختار اپیزودیک به این موفقیت کمک کرده است.

**شخصیت‌پردازی‌ها در این سریال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا فکر می‌کنید مخاطب می‌تواند با کاراکترها همذات‌پنداری کند؟**

مشکل عمده دیگر «محکوم»، کم‌کاری در پردازش شخصیت‌ها است و اغلب آن‌ها به جز کاراکترهای نسربین و مهیار، در میان تیپ و اغراق سرگردان مانده‌اند. چنین درامی با این محتوا و شخصیت‌ها برای ایجاد همدلی و همراهی مخاطب با آدم‌های اثر به پرداخت کامل‌تر نیاز داشته است. شخصیت‌ها در انتقال ماجراها و حوادث یک اثر هنری و تصویری نقش بنیادین دارند، اما در «محکوم» به‌طور کامل پرداخت نشده‌اند.

**بازی‌های این سریال در چه سطحی قرار دارند؟ کدام بازیگر بیش از دیگران توانسته نقش خود را ماندگار کند؟**

کارگردان «محکوم» در حد توانایی خود کوشیده از بازیگران نام‌آشنای سریال، بازی‌های خوبی بگیرد، اما به جز بازی تماشایی ساره بیات و بازی‌های خوب اسماعیل محرابی و کوروش تهامی، بازی دیگر بازیگران قوی نیست و پژمان جمشیدی و مهران غفوریان در مقام بازیگر، جلوه‌ای ندارند. تنها شخصیت ماندگار در اذهان مخاطب «محکوم»، نسربین با بازی ساره بیات است.

**کارگردانی و فضا سازی «محکوم» را نسبت به استانداردهای تولیدات پلتفرمی چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

«محکوم» به عنوان یک سریال مخاطب‌پسند، به دلیل داشتن ساختار هنری و محتوایی قابل توجه و تلاش کارگردان در تصویرسازی‌های مناسب و به نسبت جذاب، استانداردهای متداول در سریال‌سازی شبکه خانگی را رعایت کرده و از این منظر، بالاتر از سطح آثار متوسط این شبکه و بالاتر از سریال‌های معمولی تلویزیون قرار می‌گیرد.

**به نظر شما طراحی صحنه و میزانشن‌ها توانسته فضای حقوقی-جنایی سریال را واقعی جلوه دهد؟**

فضاسازی‌ها، طراحی صحنه و همچنین میزانشن‌های دوربین و بازی‌ها در کل در خدمت انتقال مفاهیم سریال قرار داشته و به ایجاد ارتباط احساسی مخاطب با شخصیت‌ها و وقایع سریال کمک کرده‌اند.

**«محکوم» به موضوعات حقوقی و اجتماعی می‌پردازد؛ تا چه حد این پرداخت‌ها واقعی و تأثیرگذار بوده است؟**

توجه به مسائل حقوقی و اجتماعی در این سریال در حد لزوم داستان بوده و سعی شده با استفاده از مشاوران حقوقی و قضایی به این مهم پرداخته شود؛ این پرداخت‌ها دور از واقعیت نیستند و در چارچوب داستان سریال و رساندن پیام‌های اجتماعی آن، تأثیرگذار بوده‌اند.

در عین حال، یکی از ضعف‌های سریال به شخصیت‌پردازی مربوط می‌شود. شخصیت‌ها در بسیاری از بخش‌ها به‌طور کامل تشریح و پرداخت نمی‌شوند و گاهی برای مخاطب تحمیل می‌شوند. برای مثال، نزدیک شدن مهران غفوریان به خانواده مقتول خیلی سریع و بدون توجیه کافی اتفاق می‌افتد، در حد چند جمله، در حالی که این روند باید منطقی‌تر و باورپذیرتر باشد. در کل، شخصیت‌ها بیشتر در خدمت پیشبرد قصه و نظر سازندگان هستند تا اینکه شخصیت‌های پخته و باورپذیر باشند.

در مورد کوروش تهامی، به‌عنوان یکی از شخصیت‌های مهم سریال، فضای دو قطبی و محل بحث وجود دارد. با این حال، شخصاً از بازی او در لحظات قتل و «تاوان» خوشم آمد. او نقش سنگین و پیچیده‌ای داشت و با اکت‌ها و صحنه‌های سخت، توانست نقش خود را به خوبی ایفا کند. به نظر من او یکی از بازیگران خوب سینمای ایران است که آن‌طور که باید دیده نشده و حشش ادا نشده است.

**نظر شما درباره طراحی صحنه و میزانشن‌ها در سریال «محکوم» چیست؟**

یکی از مشکلات مهم سریال به طراحی صحنه و میزانشن‌ها مربوط می‌شود. بسیاری از میزانشن‌ها تقلیدی به نظر می‌رسند و فضاهایی که به وجود آمده، در بسیاری از موارد تصنعی است و جای کار زیادی دارد. این طراحی‌ها یا جنبه‌های غیرقابل‌باور دارند که مخاطب را دچار اشکال می‌کنند و یا به شدت تکراری هستند و یادآور آثار محمد حسین مهدویان‌اند. به نظر من این موضوع یکی از نقاط ضعف قابل‌توجه سریال است و روی تجربه کلی مخاطب تأثیر مستقیم می‌گذارد.

جبار آذین

منتقد سینما و تلویزیون:

ترکیب ژانرها در محکوم کامل پرداخت نشده است

**نظر شما درباره ساختار و پرداخت داستان سریال «محکوم» چیست؟ آیا ترکیب ژانرهای خانوادگی، اجتماعی، پلیسی، معمایی و دادگاهی در این اثر موفق بوده است؟**

«محکوم» یک درام خانوادگی، اجتماعی، معمایی، پلیسی و دادگاهی و نخستین ساخته سیامک مردانه بعد از چند سال فعالیت در مقام دستیار کارگردانی هنرمندانی مانند علی‌شاه‌حاتمی و محمدحسین مهدویان است. سریالی که با رخداد‌های خانوادگی آغاز می‌شود و در ادامه وارد فضاهای معمایی، پلیسی و جنایی می‌شود. نسربین با بازی ساره بیات، دادیار دادگستری است و بعد از چند سال از فوت همسرش، با داشتن یک فرزند پسر متعصب و غیرتی، بنا دارد با ازدواج با مردی که از ازدواج پیشین خود یک دختر دارد، زندگی تازه‌ای آغاز کند، اما با مخالفت شدید پسرش روبه‌رو می‌شود و چالش انتخاب میان فرزند و یا تشکیل زندگی جدید، او را آشفته می‌کند.

تا این‌جا داستان سریال، موضوع و مضمون آن تکراری است و در دهه‌های گذشته فیلم‌ها و سریال‌های مختلف با پرداخت‌های متفاوت آن را به تماشا نشسته‌ایم، ولی مرگ مشکوک دختر خواهان نسربین و اتهام مرگ او به پسر نسربین و باز شدن پای عاشق قدیمی نسربین، «محکوم» را از دایره کلیشه و تکرار خارج کرده و مسائل تازه‌ای را مطرح می‌کند و سریال را اثری معمایی و جنایی و در همین امتداد دادگاهی می‌کند.

«محکوم» به عنوان کار اول مردانه، از نظر کارگردانی جمع‌وجور است و فیلمنامه آن که نوشته مهران مهدویان است نیز به نسبت خوب است. بازی‌های متفاوت بازیگران نقش‌های اصلی آن نیز قابل‌تأمل است و در کل، سریالی دیدنی است.

اما «محکوم» چند مشکل اساسی دارد که مهم‌ترین آن تعریف و روایت و پرداخت داستان متنوع سریال در قالب ژانرهای مختلف خانوادگی، اجتماعی، پلیسی، معمایی و دادگاهی است که هرکدام ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خاص خود را دارند و باید به صورت استاندارد، کامل و هدفمند مورد توجه قرار گیرند. از همین رو، پرداخت داستان این سریال در قالب این گونه‌های هنری و تصویری کامل

ماجرا شود و حتی نقش مؤثری ایفا کند، اتفاقی تازه و مهم است. این بخشی است که تاکنون نمونه مشابه‌اش را در سریال‌های دیگر نداشته‌ایم. حال اینکه تا چه اندازه باورپذیر از کار درآمده یا نه، بحث دیگری است. بحث مهم دوم هم به تابوشکنی برمی‌گردد. سریال وارد فضای سیستم قضایی می‌شود و شخصیت یک قاضی یا دادیار زن را به تصویر می‌کشد. تا جایی که به یاد دارم، در سینما، تلویزیون یا حتی نمایش خانگی ما چنین چیزی یا اصلاً نبوده یا بسیار کم دیده شده است. به تصویر کشیدن چنین شخصیتی کار دشوار و حساسی است، زیرا محدودیت‌های زیادی وجود دارد. اگر شخصیت بیش از حد مردمی نشان داده شود، ممکن است با سیستم قضایی تعارض پیدا کند و اگر بیش از حد رسمی تصویر شود، برای مخاطب غیرقابل‌باور خواهد شد.

با این حال، سازندگان سریال جسورانه به این موضوع ورود کرده‌اند و هم دادیار زن و هم قاضی زن را نشان داده‌اند. در میانه داستان نیز کنایه‌هایی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه آیا این شخصیت می‌خواهد از رانت یا آشنایی‌های خود استفاده کند یا نه. همین مسئله برای مخاطب به یک موضوع مهم و قابل‌تأمل تبدیل می‌شود. به نظر من، این بخش یکی از جدیدترین و مهم‌ترین امتیازهای سریال است که توانسته توجه تماشاگران را جلب کند.

**نگاه شما به کارگردانی سیامک مردانه در سریال «محکوم» چیست؟**

ما باید بپذیریم که «محکوم» ساخته سیامک مردانه است؛ یعنی حاصل دسترنج یک کارگردان تازه‌کار. همین «اولین بودن» به‌طور طبیعی با ویژگی‌هایی مثل ناخن‌نگی، کمی آماتور بودن و حتی سطحی‌نگری در برخی بخش‌های فرمی و مضمونی همراه است. من خودم سعی می‌کنم با چنین نگاهی به سریال توجه کنم؛ نگاهی اغماض‌گونه که در نظر دارد یک کارگردان تازه‌وارد مشغول تجربه و آزمون و خطاست. همین امیدواری وجود دارد که یک فیلم‌ساز جدید به سینمای ایران معرفی شود.

البته رد پای محمدحسین مهدویان در بسیاری از بخش‌های سریال دیده می‌شود؛ چه در مضمون و فضای کلی و چه حتی در بعضی میزانشن‌ها. به‌ویژه صحنه‌های مربوط به ماشین، بسیار یادآور نوع نگاه و فرم فضا سازی آثار مهدویان نکته جالب این است که نه برای مردانه و نه برای مهدویان این شباهت‌ها ایرادی به شمار نمی‌آید.

در واقع، می‌توان گفت حضور و امضای مهدویان در کار مردانه به نوعی به اعتبار خود مهدویان هم افزوده است. او آن‌قدر جایگاه تثبیت‌شده‌ای پیدا کرده که حالا شاگردانش وارد عرصه سریال‌سازی می‌شوند. همین امر نوعی «اعتبار» و امتیاز برای او محسوب می‌شود. از سوی دیگر، چون مردانه بدون هیچ ادعایی این مسیر را آغاز کرده، می‌توان این شباهت‌ها را نه به‌عنوان تقلید، بلکه به‌عنوان بخشی از روند طبیعی یادگیری در نظر گرفت.

به نظر من مهم است که مردانه در عین‌الهام گرفتن از مهدویان، بخش‌هایی مستقل و متفاوت هم دارد. خط داستانی و برخی رویکردهای کلی سریال «محکوم» با کارهای مهدویان تفاوت دارد و این‌طور نیست که نعل به نعل از او کپی شده باشد. همین مسئله برای من ارزشمند است و نشان می‌دهد که مردانه تلاش کرده راه خودش را هم پیدا کند.

**نظر شما درباره بازیگران در سریال «محکوم» چیست؟**

در مورد بازیگری‌ها باید بگویم که بازی ساره بیات در نقش نسربین، هرچند واکنش برانگیز بوده و حضورش برای من شخصاً جذاب است و مثل بسیاری از مخاطبان سینما به او علاقه دارم، اما بازی متفاوت و درخشانی ارائه نمی‌دهد. اکت‌های او تکراری است و یک تکه‌کلام از او در فضای مجازی هم پیچیده بود، اما به‌طور کلی نقش برجسته و متمایزی نمی‌بینیم.

در مقابل، مهران غفوریان نقش بسیار جذابی دارد. او در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرد که مخاطب گمان می‌کند مقصر است و همین باعث شده یکی از پیچیده‌ترین نقش‌های سریال را ایفا کند. این نقش برای غفوریان فرصتی است تا توانایی خود را به‌عنوان بازیگر جدی نشان دهد؛ چرا که در سینمای ایران، بازیگران به‌خاطر نقش‌های کم‌دی‌شان هرچقدر هم درخشان باشند، معمولاً دیده نمی‌شوند و جدی گرفته نمی‌شوند. نقش پیچیده و مبهم او فرصتی است تا مخاطب با او همراه شود و درک کند که چرا چنین تصمیماتی می‌گیرد و چگونه می‌خواهد گذشته و کینه‌هایش را مدیریت کند.

